

ماهنامه سیاسی

فریاد ما

سال سوم شماره 33 اردیبهشت 1386 بهاء €0,50

ما در دوران ظلم و تعدی به جان انسانها در کشوری که با نام و به بهانه اسلام جان مسلمان و غیر مسلمان را براحتی با فتوای انسانی ناآگاه و متحجر می گیرند، رشد نمودیم .

این کشور که:

با پذیرش ولایت فقیه ، قانون اساسی آن دال بر صغیر بودن ۷۰ میلیون مردم ایران می باشد و فقط حافظ منافع عده ای ناکس شده است .

این کشور که:

به گفته رهبرش (همانا جانشین نماینده خدا در زمین) که : مردم ایران دو گروه خودی و غیر خودی هستند و همه چیز را برای خودی ها درست و برای غیر خودی ها نا درست است .

این کشور که:

حق آزادی بیان و اندیشه را از تمامی مردم گرفته و در پاسخ کمترین اعتراض مردم توسط مزدورانش سرکوب و اعدام می گردد.

این کشور که :

نمایندگانشان منصوب رهبر و شورای نگهبان بوده و در خواب هستند

در باره موضوعی مورد توجه مردم باشد که بتواند حتا اگر برای چند ساعت و یا یک یا دو روزی هم که باشد توجه مردم را به سوی خود بکشد. مثلن یکبارہ همه جا شایع می شد که فلان خواننده مورد توجه مردم در رویدادی تلخ جان سپرده است و.. از این دست شیرین کاری ها که پس از آن روشن می شد که دروغ نوروژی و یا سیزده نوروژی بوده است.

امسال ولی در همان نخستین روز نوروژ "رهبر معظم"، با وجود آنکه خود و همراهانش در همه این سال ها همه کوشش هایشان را کرده اند که سنت های کهن سال و گاه بسیار زیبایی ایرانی را در زیر پرچم بنیاد گرایی اسلامی خرد و نابود کنند و هرگز نیز کامیاب نشده اند، بیاد این شیرین کاری سنتی ایرانیان افتاده و شتابزده در سخنان چون همیشه "دشمن شکن" خود، دروغ سیزده نوروژ را با آب و تاب بسیار و با این خیال که کسی آن را حتا برای یک ثانیه هم که باشد، باور خواهد کرد، بیان فرمودند! همانگونه که باید، موضوع دروغ (بر خورد با مسئله هسته ای) این ویژگی را داشت که نه تنها این روزها ی نوروژی که بسیار دورتر و پیش تر از این روزها، سال هاست که با زور، نیرنگ و کار برد همه نیروی ویرانگر حکومت گران و در حالیکه جامعه از اندازه نابسامانی، فساد اجتماعی و اخلاقی به درجه انفجار رسیده است، به تنها موضوع زندگی مردم گرفتار ایران تبدیل شده است و سخن پراکنی هاو دروغ بافی های یکجانبه حکومت گران(بحث در این باره که از سوی غیر خودی ها و حتا خودی ها مثلن در مجلس اسلامی که ممنوع است)مورد شناخت کامل مردم است.

دروغ رهبر را باور کنید! "رهبر مسلمین جهان" در سخنان نوروژی خود، باره برنامه هسته ای رژیم و بر خورد شورای امنیت با آن داد سخن داده و فرمودند: "ایران برای دستیابی به دانش هسته ای طبق مقررات بین المللی عمل کرده است اما اگر قرار باشد با ابزار شورای امنیت بی قانونی کنند و حق مسلم ملت ایران رانادیده بگیرند ما هم می توانیم بی قانونی کنیم و خواهیم کرد."

واژگونه آن سنت و سرگرمی ای که آسیبی به کسی وارد نمی کرد، این یکی حقیقتن "دروغی" است بسیار زیان بار که با زور و قلدری می خواهند ماهیت خطرناک آن را پنهان نموده و بدتر از آن، آن را "راست" نیز بنمایانند! دروغی است که سازندگان بار نخستشان نیست که در باره آن دروغ گفته اند که همه سر تا پای قضیه از همان آغاز، همان گونه که وجود خودشان، را دروغ تشکیل داده است. نا همخوانی و نا همگونی بزرگ دیگر این دروغ با دروغ نوروژی این است که از دید سازندگان آن، نه تنها دروغ نوروژی و سیزده نوروژ نیست؛ بلکه "راست" است یعنی با قسم و قرآن می گویند که اصل است و ساختگی نیست! و حقیقتن این دروغ تاجه اندازه بی مزه، خنک، سست بنیاد، پوچ و تکراری است! از همین کار "به جا" و "درخور" رهبر و همراهان در ساخت چنین دروغ شاخ داری، می توان به میزان پختگی، زمان سنجی و تیزهوشی مشاوران ریز و درشت رهبر و خود او پی برد! آیا جز همان چاپلوسان و نان به نرخ روز خورهایی که پیرامون رهبر مسلمین جهان گرد آمده اند، ایرانی دیگری را می توان یافت که آنی با این دروغ زشت و بی مایه سرگرم شده و یا آنی در ماهیت نقشه های ردیلانه و شوم پنهان در آن، دچار دو دلی گردد؟

18 سال پنهان کاری با همکاری و همیاری قاچاقچیان جهانی، زیر پا گذاشتن همه قوانین جهانی و آژانس انرژی اتمی و پیمان نامه هایی که خود امضا کننده آن بوده اند را کار قانونی می نمایانند! بارها و سال ها نیرنگ بازی و دروغ سازی پس از بر ملا شدن ماجرا از دید این رهبر ی که خود گم کرده راه است، رفتار قانونی نام دارد ولی اکنون که در دام مجازات ها گرفتار آمده اند، بی شرمانه طلب کار هم شده اند و این آژانس جهانی کنترل انرژی هسته ای، شورای امنیت و جامعه جهانی یعنی "دزد گیر ها" هستند که باید متهم به بی قانونی شوند نه "دزدها"! **حق مسلم!** حق مسلم مردم ایران آزادی، نان، کار، مسکن، امنیت و احترام به مقام انسانی آنهاست نه هزینه کردن همه ذخیره ها و اندوخته های ملی مردم برای دست یابی به بمب اتم که تازه اگر هم به دست آید با عمامه و ریش و تسبیح و تکبیر و پناه بردن به چاه جمران نمی توان از آن نگاهداری کرد. هم کار باید به دست کاردان باشد، هم کاردان در خدمت مردم باشد و هم خو و خلق آدمیزاد داشته باشد. حیف است که بخش دیگر این دروغ نوروژی ویژه "ام القرای اسلام" را خوانیم: "اگر



وای به حال این مردم

این کشور که:

ما گفتنی زیاد داریم ولی اینک توان باز گویی تمام آنها نیست ولی این سر آغازی برای رساندن نجوای مان که اینک به صورت فریادی شده است می باشد. با امید همکاری شما انسان های آزاده و آزادخواه .

ماهنامه فریاد ما

دروغ نوروژی!

شهاب سبحانی

چنین بودتا آنجا که من بیاد دارم، پیش از این روزگار تلخ، رسم چنین بود که نزدیک به روزهای سیزده نوروژ و یا در همین روزهای نوروژ، برای شوخی و تفریح و یا ایجاد هیجان، کسی در جامعه "شایعه" و یا "دروغی" سرهم بندی کرده و به میان مردم می برد و مدتی هیجانی کاذب، گاه خوشایندو گاه ناخوشایند پدید می آورد. با وجود آنکه همه با "دروغ سیزده نوروژ" آشنا بوده و آمادگی داشتند ولی این دروغ ویژه، گاه همه را در چنگال خود گرفته و بسیاری را نادانسته دل شاد و یا دل نا دل شاد کرده و زمانی چند در اندیشه فرو می برد. روشن است که چنین شایعه و دروغی می بایست یا درباره کسی شناخته شده و در بیشتر مورد ها مورد توجه و علاقه مردم(و گاه واژگونه آن) و یا

شمایل و اندازه رهبری داشته باشد ولی رهبر باشدو نه حتما توانایی سازندگی یک دروغ نوروژی را دارا باشد ولی دروغ نوروژی بسازد!

طنز- گزارش صندوق بین المللی اسکناس از اقتصاد پیشرفته جمهوری اسلامی

ابراهیم خزائی

هیئت از صندوق بین المللی اسکناس در سفر به مملکت امام زمان خواستار جلب سرمایه داران خودی، کاهش رفیقانه به همراه حمایت از فقرای پولدار، عدم برداشت جزئی از حساب ذخیره ارزی، کنترل بازار عرض، افزایش استقلال آزادی و جمهوری اسلامی برای بانک غیر مرکزی و مبارزه با پولشویی بروش سنتی شد.

به گزارش خبرگزاری های داخلی هیئت اجرایی صندوق بین المللی اسکناس اخیرا سفری به ایران داشته و گزارشی درمورد اقتصاد پیشرفته ایران تهیه نموده است. این گزارش چند بخش است و قرار شده رهبر و احمدی آنرا برای هیئت بخش کنند. و اما پیشنهادات دوستانه هیئت مذکور به دولت جمهوری اسلامی به شرح زیر است:

1- اتخاذ سیاستهای انقباضی چاپ اسکناس های درشت مثل اسکناس پنجاه هزار ریالی هسته ای علل اصول عمل میمونی است چرا که داشتن پول فی النفسه شادی آور است و اسکناس هرچه درشت تر نشنگی اش بیشتر خواهد بود، اما جمهوری اسلامی باید این تناقض را حل نماید که شادی با فیافه عبوس امام راحل جور در نمی آید و هیئت از امام راحل می خواهد تا نیش خود حداقل بر روی اسکناس های درشت را بازتر نماید.

2- توسعه بخش غیر نفتی چون ایران کشوری است با سابقه تاریخی دیرینه و از نظر فرهنگی غنی بنابراین دولت جمهوری اسلامی باید در زمینه های غیر نفتی مثل فروش عتیقه جات و آثار تاریخی فعال تر عمل نماید.

3- جلب سرمایه گذاران خارجی اگر جمهوری اسلامی نمی تواند اعتماد سرمایه داران خارجی را جلب نماید بهتر است از جیب مبارک خود، سرمایه در اختیار خارجی ها بگذارد تا بتواند اعتماد آنانرا جلب نماید مثل همین کاری که در مورد نیروگاه بوشهر انجام می دهد.

4- کاهش رفیقانه (در ایران می گویند یارانه) صندوق پیشنهاد می کند جمهوری اسلامی از تعداد رفقای چینی و روسی خود جدا بکاهد و بر یاران فلسطینی و لبنانی بیفزاید

5- حمایت از فقرا دولت جمهوری اسلامی باید مثل گذشته از فقرای سودان، سومالی، بورکینافاسو و غیره حمایت نموده تا اقتصاد مملکت پویا تر شود

6- برداشت از صندوق ذخیره ارزی صندوق پیشنهاد می کند مسئولان نظام خرده خرده از صندوق ذخیره ارزی بردارند چون ممکن است آنرا خرج نموده و سرشان بی کلاه بماند همچنین به منظور جلوگیری از پرت و پلا، صندوق ذخیره عرضی نیز باید کنترل شود

7- افزایش استقلال بانک غیر مرکزی بدین معنا عده ای هر روزدم بانک مرکزی جمع شده و شعار بدهند استقلال آزادی بانک غیر مرکزی

8- اتخاذ سیاست نرخ شناور صندوق به مسئولان نظام پیشنهاد می کند اسکناس های خود را در حوض بریزند و برای آن نرخ تعیین نمایند

9- مبارزه با پولشویی صندوق گوشزد می نماید که جمهوری اسلامی باید از شستشوی پول به سبک قدیم و سنتی دست برداشته و پولهای خود را با ماشین لباس شویی بشویند

10- اجرای اصل 44 صندوق از جمهوری اسلامی تمنا دارد تا هر چه سریعتر خصوصی سازی کرده و خصوصی ها را بسازد درعین حال صندوق از سیاست های انبساطی که باعث انبساط خاطر آقازاده ها میشود استقبال کرده است. این صندوق همچنین جمهوری اسلامی را دربرابر کاهش شدید قیمت نفت آسیب پذیر دانسته و پیشنهاد کرده پولهای سران نظام به خارج انتقال یافته تا خدای ناکرده آسیبی به آنان نرسد

11- صندوق همچنین گفته که سرمایه داران زیادی در بنگلادش و سودان و پاکستان و کشورهایی از این قبیل هستند که علاقه زیادی به سرمایه گذاری در ایران دارند ولی متاسفانه دستشان خالی است و جمهوری اسلامی می تواند با دادن وام های بلاعوض اعتماد این سرمایه داران بی پول جهت سرمایه گذاری در ایران را جلب نماید

بخواهند با تهدید و اعمال زور و خشونت رفتار کنند بدون تردید ملت و مسئولان ایران از همه ظرفیت های خود برای ضربه زدن به دشمنان متعرض استفاده خواهند کرد. "به راستی که دروغ سازی و دروغ بازی آقایان را مرزی نیست! نخست اینکه "ملت و مسئولان" (جرات نکرده است بگوید "امت") را یکی کرده است. با یک کار ساده می توان این دروغ را به همه جهانیان نشان داد. این کار ساده نیز چیزی نیست جز یک همه پرسی درست در ایران، به دور از آلوده سازی و آلوده سازی حکومت، تا همه ببینند که در ایران "ملت" کیست و "رهبر" چیست!

از "تهدید"، "اعمال زور و خشونت" جهانیان می گوید گویا کسی خبر ندارد که آقایان برای بودن و حکومت کردن در این 28 سال شوم، به چه آدمکشی ها و جنایت ها دست زده اند. کار وزندگیشان بر "بی قانونی و سرکشی" استوار است آنگاه می خواهند چنین نمایانند که تا کنون بی قانونی نکرده اند و آدمهای بسیار قانونمند و سر براهی بوده اند! مردم ایران فریادشان از زور و ستم گری و بی عدالتی این نو کیسه های خود خواه و آشوب گر و بی رحم و بی نفس انسانی به آسمان است و آقا هنوز هم می خواهد "مظلوم نمایی" کند! از سوئی چنان از همه ظرفیت برای ضربه زدن به دشمنان آنهم "دشمنان متعرض" سخن می گوید که گویا تا کنون کودک سر بزیر و آرامی بوده است و دست و عمامه و عبا و ردایش به خون هزاران بی گناه در ایران، در منطقه و در بسیاری گوشه های جهان آغشته نیست! چنان مبارزه جویی کرده و قدرت نمایی می کند که گویا کسی خبر ندارد که زیر پایشان چگونه لرزان است و این روزها برای فرار از مجازات و از ترس یورش نظامی به هر خارو خسی چنگ میاندازند! امروز به دامان حتما آفریقای جنوبی آویخته اند. به روسها در "شمال" که سال ها باج دادند و آخرش را هم همه شاهد هستیم، اکنون نوبت "جنوبی" ها است. این که چند میلیارد دیگر همین چند روزه بباد "باج" رفته است آینده روشن می کند.

مسخره ترین بخش دروغ نوروژی! و مسخره ترین بخش این دروغ بی مزه نوروژی آنجاست که آقا خود را به دامان مصدق می چسباند. همه می دانیم که مصدق همان کسی است که هم امام بزرگوارشان و هم خود آقایان در همه این 28 سال عمر ننگین خود، در دشمنی با او و یاد و یادبودش، از هیچ کاری رویگردان نبوده و حتما نتوانستند خیابانی را در تهران بنامش ببینند. همین سال گذشته نیز چون سال های دیگر، همه کوشش خود را بکار بردند که از گرد آمدن مردم برای برگزاری مراسم سالیانه یادبود این مرد بزرگ و درست کار، جلو گیری کنند. در تنگنای امروز نیز، هم آن پیاوه گوی دست نشانده که باید مفتخر باشد که بنام مسخره ترین "رئیس جمهور جهان" شناخته شده است و هم رهبر معظم، به دامان او چنگ می زنند تا راه نجاتی یابند: "تعدادی که حرف دشمن را تکرار می کنند امروز در حالیکه از ملی شدن صنعت نفت تمجید می کنند اما همان حرفهایی را می زنند که مخالفان دکتر مصدق و آیت الله کاشانی هنگام ملی شدن صنعت نفت می زدند. "بازی روزگار و قیاحت بی مرز که شنیده ایم، همین است! حتما اکنون نیز که از ناچاری و ذلت خود را به زنده یاد دکتر محمد مصدق آویخته است، باز هم از واژگونه سازی تاریخ، حسادت و کینه ورزی نسبت به این مرد میهن پرست، با دانش و سیاستمدار دست بردار نیست. او را با یکی از آلوده ترین، حيله گر ترین و قدرت خواه ترین روحانیان آن زمان (گفته های زنده یاد کسروی را در کتاب با ارزش و تاریخی اش در باره انقلاب مشروطه، آنجا که به این آخوند نیرنگ باز می پردازد و ماهیت او را روشن می کند، بخوانیم تا این واژگونه سازی تاریخی را بهتر دریابیم) که پس از اندک مدتی همراهی با مصدق چون او را اهل آلودگی، زد و بند و خرید و فروش نیافته، به یکی از سخت ترین دشمنان سوگند خورده او تبدیل شده و تا آنجا پیش رفت که با کودتاچیان بر علیه مصدق، (که همین چند سال پیش هم آمریکایی ها و هم انگلیسی ها خود به آن اعتراف کرده و از این بابت از مردم ایران پوزش نیز خواسته اند)، همکاری و همراهی نموده است، یکی نموده و در یک جا می نشانند! "ضد ملی" را "ملی"، "خانن" را "خادم" می نمایند و کوشش می کند که مرز بین "دوست" و "دشمن" را مخدوش نماید. علی خامنه ای و همراهان که پرورش یافته مکتب آلوده کسانی چون کاشانی هستند، 28 سال دروغ گفته اند ولی در این میدان هم دیگر پشم و کرکشان ریخته است و دستنشات کاملان رو شده است. حتما دروغ نوروژی هم آدم خودش را می خواهد. چه بد است که کسی نه شکل و

کردن زنان استفاده می کنند. جمهوری اسلامی برای حفظ حامیان مرد سالار خود علاوه بر حجاب اجباری اقدامات متفاوت دیگری را جهت محدود کردن زنان به کار گرفته است. از جمله این اقدامات کاهش سهمیه دختران جهت ورود به دانشگاه است. ی

ک نمونه دیگر، سخنان احمدی نژاد در تقدیس خانه نشینی و زایش مداوم زنان و تربیت نسل های آینده و عدم استفاده از زنان در پست های مدیریتی و مشاغل مناسب است. امری که در عدم اشتغال زنان تأثیری عمده دارد. زنان در شرایط کنونی اکثراً به فعالیت در مشاغل کارگری، منشیگری، معلمی و پرستاری می پردازند.

دستمزد پایین تر زنان نسبت به مردانی که از وضعیت مشابه برخوردارند و سواستفاده جنسی از آنان در وضعیت های شغلی متفاوت، جزئی لاینفک از جامعه مبتنی بر ستم و استثمار است. از بین بردن این ستم جدا از نابودی طبقات نیست. اما بدون از بین بردن ستم جنسیتی هم نمی توان به نابودی طبقات دست یافت.

لزوم مبارزه با مناسبات اجتماعی حاکم بیش از پیش احساس می شود. حضور زنان در عرصه مبارزه به لحاظ داشتن بالاترین انگیزه ها در سرنگونی مظاهر ستم الزامی است. از سوی دیگر لزوم اتحاد جنبش های ترقی خواهانه دیگر از جمله جنبش کارگری و جنبش دانشجویی با جنبش زنان از اهمیت بالایی برخوردار است. کلیه جنبش های اجتماعی در مبارزه زنان برای آزادی و برابری منفعت دارند. زیرا ستم بر زن از پایه های نظام ستم و استثمار در ایران است. برگزاری مراسم 8 مارس در کارخانه ها توسط کارگران و در دانشگاهها توسط دانشجویان نشانه پیروزی برای این جنبش ها و همچنین جنبش زنان است. متأسفانه آنچه تاکنون مشاهده شده تا حدودی آغشته بودن جنبش های مذکور به سنت های مردسالارانه است که اتحاد میان آنها و شکوفائی انرژی نیمه از فعالترین عناصر انقلابی جامعه را کند می کند. رهایی از قید و بند چنین سنت هایی یکی از الزامات مبارزات مردمی در دستیابی به جهانی آزاد و برابر است. باید اهمیت تاریخی و جهانی 8 مارس را به آگاهی عمومی همه مردم از هر گروه و قشر و طبقه ای تبدیل کرد. روز زنی که رژیم برای زنان انتخاب کرده را افشا و طرد کرد. روز فاطمه که تنها نشان دهنده زن فرمانبردار و مطیع است نه زن آزاد و مختار.

وظیفه همه نیروهای مبارز و رادیکال است که معیارهای غلط اخلاقی، سنتی و مذهبی غالب در جامعه را به کناری گذارند و معیارهای نوینی را در روابط اجتماعی خلق کنند که اصل آزادی و برابری در آن رعایت شده باشد. مبارزه زنان در ایران بخشی از جنبش جهانی زنان است.

همسوئی و اتحاد زنان جهان برای پیروزی ضروری است. سالروز جنبش زنان فرصتی جهت ابراز این شعار همگانی و جهانی است.

یکی به نام باطبی، یکی هم به کام جزایری

بهباد توکلی در خبر ها بود : شهرام جزایری که دوران سود دهی پروژه اش با وضعیت جدید سیاسی کشور پایان یافته است، از زندان فرار کرده. خیلی ها در کشور بودند که تعجب نکردند. خیلی ها هم تعجب میکردند که با آن همه پول و امکانات، با روی کار آمدن محافظه کاران و پایان بهره برداری سیاسی از وی، چرا تا کنون زندان بوده است؟ اما همزمان در خبرها بود که احمد باطبی دانشجویی که به جای اموال فراوان، یک پیراهن ناقابل داشت و آن را در حادثه 18 تیر نشان داده بود و به همین دلیل جوانیش را در زندان سپری میکند، بر اثر فشارهای مختلف از زندان راهی بیمارستان شده است.

او نه امکانات مالی فراوان دارد که بتواند فرار کند! و نه آزاد میشود و نه در لیست عفو او را پیشنهاد میدهند و نه روزنامه ای از او تیر می زند. به عقیده ی من بزرگترین نگرانی اجتماعی این است که ادبیات حقوق بشری و کرامت انسانی که ادبیات رایج سالهای قبل بود حتی از واژگان گروههای سیاسی هم حذف شده است و به همین دلیل مرخصی و انتقال باطبی به بیمارستان، توجهی را جلب نمی کند.

من شخصاً با آنکه باطبی را تا کنون ندیده ام و نمی شناسم اما هیچگاه نتوانسته ام چهره ی مظلوم پیراهن بدستش را از ذهنم دور کنم. به هر کس هم که دستم رسیده است از سالها پیش در مورد او حرف زده ام. کاش آزاد شود.

12- این هیات همچنین از اخذ مالیات از افراد بی پول و کم درآمد نیز استقبال کرده و آنرا منبع درآمدی برای سران نظام می داند ضمن اینکه گفته شیوه های سنتی مثل خمس و زکات را نیز نباید فراموش کرد.

در پایان صندوق رشد بخش غیر نفتی را شش درصد اعلام نموده که موجب حیرت خود صندوق نیز شده است و سخنگوی هیئت گفته وقتی اکثر صنایع مثل نساجی و کفش ورشکسته شده و صنعت چای و کشاورزی نابود شده دیگر چه می ماند که صادر شود و هینت در گزارش خود کلی از این بابت بلند بلند خندیده! مع الوصف با همه این اوصاف صندوق نا امید نشده و برای پیدا کردن کلاف سردرگم اقتصاد جمهوری اسلامی به استخدام کارگاه خصوصی متوسل شده است. در پایان گزارش، صندوق به شوخی اعلام کرده که نرخ بیکاری 10 درصد است و تا چند سال آینده نیز به همین مقدار باقی خواهد ماند و اگر نماند باید به خدا پناه برد!

در مورد بدهی خارجی جمهوری اسلامی نیز صندوق گفته که بدهی های دولت امسال نابالغ به 25 میلیارد دلار خواهد بود و این رقم برای کشور نفت خیزی مثل ایران که سالانه شصت میلیارد دلار فروش نفت دارد نورعلی نور است!

زن، مکمل نجات بشر

وحید محمدتقی پور

بحث پیرامون مسئله زنان ابعاد گسترده ای دارد. این بحث در رابطه با تمامی نظام های ارتجاعی صادق است. ولیکن در نظام جمهوری اسلامی (و کلا هر حکومت مذهبی) بحثی مضاعف را به پیش می کشد. حاکمیت مبتنی بر قیودات مذهبی، اساس آن را تشکیل می دهد. از جمله این موارد قوانین جمهوری اسلامی به عنوان ابزاری مردسالارانه و دین سالارانه است که تمامیت خویش را از کتابی به نام قرآن برگرفته است. نمونه ای از آیات این کتاب به اصطلاح آسمانی آیه ۳۴ سوره نسا است که بر طبق آن مردان باید بر زنان مسلط باشند چرا که خداوند بعضی از انسانها را بر بعضی دیگر برتری بخشیده؛ از آن رو که مردان از اموال خویش برای زنان خرج می کنند. برداشت منطقی از عبارات فوق یعنی مخالفت مردان با اشتغال زنان که یکی از الزامات تسلط مردان بر زنان است. دلیل عامه پسندی که از سوی حاکمیت ارتجاعی و هم از سوی مردان در این رابطه ابراز می شود، گسترش فساد به واسطه حضور زنان در عرصه اجتماعی است. در منبع قانون گذاری حکومت اسلامی آشکارا بر حق مخالفت مردان با اشتغال زنان صحنه گذاشته می شود.

رادیکالیسم یعنی اینکه تمامی مناسباتی که در آن انسان موجودی خوار شده، به حاشیه پرتاب شده و بی حرمت شده، به دور انداخته شود و تغییر یابد.

ستم بر زنان زوایای گوناگونی دارد. نمونه بارز سنتی و ایدئولوژیک آن حجاب (چه اجباری چه اختیاری) است. ایدئولوژی پشت حجاب تقویت کننده ایده مالکیت مرد بر زن است. حجاب دیواری است برای حفظ مایملک مردان از دسترس بیگانگان. .

از منظر سیاسی ستم بر نسیمی از جامعه و محدود کردن آنان بکار تحکیم حکومت می آید. اینکار از طریق جلب حمایت نیمه دیگر جامعه یعنی اکثریت مردانی که اسیر تفکرات پوسیده نسبت به زنان هستند، صورت می گیرد. نمونه عینی این سیاست شعار "بی حجابی زن از بی غیرتی مرد اوست" می باشد که توسط رژیم در جامعه پراکنده می شود. حجاب موجودیت زن را به زیر سوال می برد و عملکرد او را محدود می کند. مبارزه زنان برای آزادی پوشش بخشی از مبارزه آنان در جهت به دست آوردن حقوق دموکراتیک شان می باشد. اعتراض به پوشش، اعتراض به نظامی است که این حصار تحقیر را بدور زنان کشیده است.

عملکرد حجاب اجباری فقط یک مسئله ایدئولوژیک نیست. بلکه اهداف مشخص سیاسی در بر دارد که از سوی سران حکومت علیه زنان به کار گرفته شده است. چرا که حکام مردسالار از قدرت و خشم زنان هراس دارند و می دانند که از کنترل آنها خارج است. به همین دلیل روزمره از هر راه و روشی در جهت سرکوب و ارباب و محدود

خودسوزی، یا دختران جوان در "آتش"

بهزاد توکلی

اخبار دردناک 3 دختر جوان در 3 حادثه جداگانه با ریختن نفت بر روی خود در شهر یاسوج اقدام به خودسوزی کردند.

1. نسرین: دانش‌آموز دبیرستان قلعه رئیسی یاسوج روز 21 آبان با ریختن یک گالن 20 لیتری نفت بر روی خود اقدام به خودسوزی کرد. نسرین هم‌اکنون به بیمارستان سوانح سوختگی شیراز منتقل شده و پزشکان وضعیت او را وخیم اعلام کرده‌اند.

2. ناهید 17 ساله است: ناهید روز گذشته با ریختن نفت بر سر و صورت و لباس‌های خود اقدام به خودکشی کرد که در نتیجه این خودسوزی دچار 60 درصد سوختگی شدید شد و برای مداوا به بیمارستان شهید بهشتی یاسوج اعزام شد.

3. زهرا: دختر جوان 20 ساله ساکن روستای چهارراه در فاصله 5 کیلومتری قلعه رئیسی صبح دیروز در پی اختلاف با پدرش با ریختن نفت بر روی خود دست به خودسوزی زد. بدن سوخته این دختر پس از خاموش کردن شعله‌های آتش به بیمارستان منتقل شد که به خاطر سوختگی صد درصدی جان سپرد. خودکشی دختران جوان بیانگر تبدیل شدن خودسوزی به یک اپیدمی خطرناک است.

اپیدمی که به عنوان اعتراض از وضع موجود، نسلی از دختران و زنان جوان را به کام آتش می‌کشد.

تحقیقات توسط کارشناسان دانشکده پزشکی و پژوهشگران بخش روانپزشکی دانشگاه‌های مختلف در ایران تأییدی است بر صحت وسعت ابعاد این فاجعه در بین زنان و دختران جوان. این تحقیقات نشان می‌دهد که بیش از 80 درصد خودسوزیها در استان مازندران به دلیل اختلافات زناشویی و خانوادگی در میان زنان جوان رخ داده است.



این در حالی است که خودسوزی، به 50 درصد روشهای خودکشی زنان که بیشترین اقدام کنندگان به خودکشی در کشور هستند، بدل شده است. خودسوزی یکی از دردناکترین روشهای خودکشی می‌باشد و اگر فرد سانحه دیده زنده بماند اثرات سوختگی تا آخر عمر التیام نخواهد یافت، اما روشهای دیگری نیز توسط دختران جوان استفاده می‌شود که نشانگر عمق درد و رنج این جوانان از زندگی در جهنم جمهوری اسلامی می‌باشد. با اینکه خودکشی به دومین عامل مرگ در کشور ایران تبدیل شده است، رژیم اسلامی همچنان بر طبل آپارتاید جنسی می‌کوبد تا پدران، همسران، برادران و دیگر مردان خانواده بتوانند، زمینه‌ها و ابزار خشونت بر زنان را بیشتر از گذشته مهیا کنند. غیر قابل مجازات شمردن مردان در قوانین اسلامی، بعد از به قتل رساندن آنچه را که "نوامیس" آنها محسوب می‌شود، قانونی است غیر انسانی مبنی بر حق مالکیت مرد بر زن و کودکان او. تفکر مالکیت مرد بر زن با مهاجرت انسانهایی که از کشورهای اسلامزده به اروپا آمده‌اند، پدیده قتل ناموسی را در این کشورها باز تولید کرده است. اما پرداختن به تشابه قتل ناموسی در سراسر جهان، نشانگر تشابه خودکشی در بین دختران و زنان جوانی است که با وجود برخورداری از سلامت روانی، اقدام به خودکشی یا خودسوزی می‌کنند.

اسلامیزه کردن جوامع اروپایی با استفاده از ابزاری چون مساجد و مدارس اسلامی، زمینه ابراز خشونت گسترده تری را بر زنان و دختران جوان فراهم کرده است.

اینکه دختران جوان در گذشته بر اثر فشار خشونت‌های سازمان یافته خانوادگی، تحت نام "حفظ ناموس خانواده"، دست به خودکشی زده‌اند

پدیده جدیدی نیست، اما اخباری از سرار جهان نشانگر ابعاد دیگری از اشکال خودکشی را نمایان کرده است.

مردم جهان شاهد شکل‌گیری ترند جدیدی، نه تنها در ایران و دیگر کشورهای اسلامزده، بلکه در اروپا نیز هستند.

این موضوع نشانگر تغییر فرم قتل‌های ناموسی یا تعرض به حقوق زنان و کودکان است. وادار کردن دختران جوان به خودکشی و خودسوزی، قبل از اینکه مردان خانواده "تحت نام قتل ناموسی" دست به قتل آنها بزنند، ترندی جدید است.

استفاده از این روش جهت فرار مردان خانواده از مجازات به خاطر ارتکاب جرم سازمانیافته، حکایت از ابعاد فجیع خشونت علیه زنان دارد.



تفاوتها کجاست؟

مقایسه اقدام به قتل یک انسان در لحظه و به دلیل جنون آبی، با برنامه ریزی دراز مدت برای به قتل رساندن فرزند و یا ایستادن و وادار کردن فرزند به خودکشی به خاطر حفظ ناموس اسلامی خانواده، کاری است بس مشکل اما امکان پذیر.

باید تفاوتها را روشن کرد تا دست اندازی اسلام را بر حقوق فردی انسان بیشتر از گذشته افشا کرد. باید دست مذهب و به خصوص اسلام را از زندگی مردم کوتاه کرد.

چگونه میشود با این اخبار و اتفاقات می شود پذیرفت که ولایت فقیه نماینده و جانشین خدا است؟

مدیر مسئول

امیر خزائی

سر دبیر

شهاب سبحانی

هیئت رئیسه

بهزاد توکلی
ابراهیم خزائی
وحید محمدتقی نژاد

آدرس:

Shahab Sobhani
Fritzhusemann Str. 20A
59192 Bergkamen
Tel.: Tel.: +49 2307286316
s_sha_30@yahoo.de
www.azadegy.de/Fariade%20Ma/index.htm

یادآوری

این نشریه زیر نظر مدیر مسئول برای رساندن فریادمان به دیگران و دفاع از حقوق انسان‌ها در ایران و افشاکاری جنایات و خیانت‌های رژیم اسلامی منتشر میشود.

نشر آثار، سخنرانی‌ها و اطلاعیه‌ها به معنی تائید و پذیرش آنها نمیباشد.

با اعتقاد به گسترش افکار، استفاده و انتشار آثار چاپ شده در این نشریه کاملاً آزاد است

فریاد ما